

The relationship between health and religion from the standpoint of divine religions, the ancestors' medical sources, and some literary works

Hossein Hatami*

Department of Master of Public Health, School of Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

The relationship between health and religion has been repeatedly highlighted and emphasized in Avesta, the Holy book of Zoroaster, which has been cited and referred to by our theist ancestors thousands of years before the Bible, the Torah and the Quran. There has been noticed a number of points about the effects of prayers and spirituality on the treatment of patients in this book. For example, it is mentioned in Ardibehesht section of this book that:

Physicians may bring back health to their patients' body by their knowledge, scalpel, herbal medicine, and spiritual therapy (Manthareh), but the most effective physicians are those who pursue spiritual therapy. In addition, it is stated in the seventh section (Seventh Fargard) of Avesta that: "If some physicians aim to treat a patient, one with a scalpel, one with herbal medicine, and one with spiritual therapy (Manthareh), this is the last one which can better deter illness from the patient's body.

Many verses of the Bible have also emphasized the effect of spirituality and faith to God on returning health to patients' bodies. An example is the title "sending 12 students" in Logha Bible, section nine, verse 2, which clearly states: ".....and he sent them to preach about the majesty of God and treat the patients". When the prophet's students noticed the effect of his therapeutic actions, while their own actions had been ineffective, they asked him the reason. He replied that your therapeutic actions are ineffective because of your fragile faith. All these examples demonstrate the relationship between human's health and religion. Although the direct and indirect relationship between health and religion is obviously observed in all theist religions, this significant issue is in its evolutionary pathway to develop religions and theist people's thoughts over time, and reaches its peak point in the Quran as the last holy book. It is interpreted in a way that saving a human's life equals saving the whole human beings, and intentional killing of a human equals deterioration of the whole human beings. It also signifies that this important point is notified to the followers of theist religions before Islam.

Another delicate point with regard to health and the factors providing health is observed in monotheistic literature of this country, like the famous verse of Hakim Nezami's Panj Ganj:

"The health can be found in the region of comfort and welfare!

If this does not exist, everything will be in vain"

This verse has encompassed the important expression "region of comfort and welfare" which can also imply physical, psychological, spiritual and social relief. If any of these facets do not exist, or finds a defect, the only outcome would be voidness and vain because human's relief lies in his health and health is made up of these four facets. In the same line, one important message about the effect of spirituality on the health of patients is delivered in fake loves stories of Masnavi Ma'anavi which is represented in the following verse:.....

In their arrogance they did not say "If God will"

Therefore God showed unto them the weakness of Man

Expert physicians attended their patients' beds and consulted with their colleagues, but their diagnostic and therapeutic measures were not effective because their diagnoses were devoid of spirituality and the God's help quest. When a divine (God believer) physician attended the same patients' bed, and utilized his divine beliefs in his measure, he can be able to diagnose the illness.

It can be concluded that although subjects such as "health and religion" and "health and spirituality" are seemingly novel approaches, they have roots in divine religions and are amalgamated with the history of medicine and health.

Moreover, the ancestors' medical books and also the rich literature of this country have directly or indirectly referred to the subject of belief in religion and the God's intervention in the care of human, approaching the realm of medicine and health with "Refined Science". The instance can be observed in Khofe Alaei which is the smallest medical pocket book written by Jorjani, the great Iranian scientist who maintains: "A physician should attend a patient's bed only when two conditions of "religious integrity" and "compassion of people" are observed and his eyes, ears, tongue and hands are far from all obscene.

To sum up, health and religion are obviously interwoven from any aspect that can be considered. As mentioned in this concise note, this relationship was not only referred to in religious books, but also in the ancestors' medical sources and literature and history books. This issue has been ignored or overlooked at times, but nowadays it is considered in many countries as a new approach.

* Email: hatami21102@gmail.com

ارتباط دین و سلامت از دیدگاه ادیان الهی، منابع پزشکی نیاکان و برخی از آثار ادبی

حسین حاتمی*

گروه MPH، دانشکده‌ی بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

در اوستا کتاب آسمانی حضرت زرتشت(ع)، که هزاران سال قبل از تورات و انجیل و قرآن، در سرزمین ایران، مورد استناد اجداد موحدمان قرار می‌گرفته است، چندین بار درباره‌ی ارتباط دین و سلامت، مطالب‌هایی درج شده و بر آن تأکید شده است. به‌طوری که در چند جای این کتاب درباره‌ی تأثیر نماز، دعا و معنویت بر درمان بیماران، مطلب‌هایی به چشم می‌خورد. مثلاً در بخش اردی‌بهشت یشت این کتاب آمده است که: «پزشکان، ممکن است سلامتی را به یاری دانش، کارد، گیاهان دارویی و معنویت‌درمانی(منثره) به کالبد بیماران، بازگردانند ولی درمان‌بخش‌ترین پزشکان، کسانی هستند که به «معنویت‌درمانی» می‌پردازند؛ و نیز در بخش هفتم از فرگرد هفتم کتاب اوستا آمده است که «اگر پزشکان چندی با یکدیگر به درمان بیمار بپردازند، یکی با کارد پزشکی، دیگری با گیاه‌درمانی و آن دیگری با «معنویت‌درمانی»(منثره)، این سومین است که بهتر از همه بیماری را از تن بیمار، دور می‌کند».

در آیه‌های متعددی از کتاب انجیل نیز به تأثیر معنویت و ایمان به خداوند، بر بازگرداندن سلامتی به کالبد بیماران تأکید شده است، به‌طوری که در انجیل لوقا، باب نهم، آیه‌ی دو، ذیل عنوان «اعزام دوازده شاگرد»، به صراحت آمده است: «... و ایشان را فرستاد تا به ملکوت خدا موعظه کنند و مریضان را صحت بخشند»؛ و در آن جا که شاگردان آن حضرت گاهی متوجه تأثیر اقدام‌های درمانی او می‌شوند و حال، آن که بعضاً خود آن‌ها این اقدام‌ها را اجرا کرده‌اند، ولی بی‌تأثیر بوده است و در این باره، سبب را از پیامبر الهی جویا می‌شوند. آن بزرگوار در جوابشان می‌گوید بی‌تأثیری اقدام‌های درمانی شما به سبب ضعف ایمان شما است. همه‌ی این مثال‌ها حاکی از ارتباط دین و سلامت انسان است.

البته هرچند ارتباط مستقیم و غیرمستقیم دین و سلامت را در تمامی دین‌های توحیدی به وضوح می‌توان دید، ولی این امر مهم، در جهت تکامل دین‌ها و تکامل فکری انسان‌های موحد، در طول زمان، سیر تکاملی آشکاری را طی می‌کند و در آخرین کتاب‌های آسمانی و نهایتاً در قرآن کریم، به اوج می‌رسد؛ به گونه‌ی که نجات جان یک نفر انسان، به منزله‌ی نجات کل بشریت؛ و هلاکت عمدی یک نفر انسان، به معنی نابودی کل انسان‌ها تلقی می‌شود و یادآور می‌گردد که این موضوع مهم، به پیروان دین‌های توحیدی قبل از اسلام نیز گوشزد شده است.

نکته‌ی ظریف دیگری که درباره‌ی سلامت و عامل‌های تأمین‌کننده‌ی آن در ادبیات توحیدی این مرز و بوم به چشم می‌خورد، بیت معروف اقبال‌نامه‌ی حکیم نظامی است:

«سلامت در اقلیم آسودگیست کزین بگذری، جمله بیهودگیست»

که با توجه به این که در این بیت، از اصطلاح بسیار پرمعنای «اقلیم آسودگی» استفاده شده است، بی‌شک این تعبیر می‌تواند به مفهوم آسودگی جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی باشد که اگر هر یک از این بُعدها وجود نداشته و یا دچار کمبود باشد، نتیجه‌ی جز «بیهودگی» نخواهد داشت؛ زیرا آسایش انسان در سلامتی او است و سلامت، از اجزای چهارگانه‌ی مورد اشاره، تشکیل شده است. در همین باره، یکی از پیام‌های بسیار مهم داستان عشق‌های دروغین در مثنوی معنوی، در بیت معروف:

«گر خدا خواهد، نگفتند از بطر پس خدا بنمودشان عجز بشر»

نیز، درباره‌ی تأثیر معنویت در بازگرداندن سلامتی به کالبد بیماران است. در آن جا که پزشکان حاذق، بر بالین بیمار حاضر می‌شوند و حتی با یکدیگر مشورت می‌نمایند، ولی چون روح معنویت و استعانت از مبدأ را در کالبد تشخیص‌های بالینی و آزمایشگاهی خود نمی‌دمنند، اقدام‌های تشخیصی و درمانیشان بی‌تأثیر می‌ماند. اما به محض این که آن پزشک الهی بر بالین بیمار حاضر می‌شود و معنویت را نیز در اقدام‌های خود دخالت می‌دهد، به تشخیص درست می‌رسد.

بنابراین هرچند مقوله‌ی «دین و سلامت» و «معنویت و سلامت» و امثال این‌ها، ظاهراً رویکردهای جدیدی به نظر می‌رسند، ولی در واقع موضوع‌هایی هستند که نه تنها ریشه در دین‌های الهی دارند، بلکه آمیخته با تاریخ پزشکی و بهداشت نیز هستند. در کتاب‌های پزشکی نیاکان و حتی در ادبیات غنی این مرز و بوم، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، موضوع دین‌باوری و دخالت خالق توانا در مراقبت از انسان‌ها یادآوری شده و آمده است که طبیبان بهره‌مند از معنویت، همواره با «علم مهذب» پا به عرصه‌ی پزشکی و بهداشت می‌گذاشته‌اند، که نمونه‌ی آن را در کتاب خفی علایی، کوچک‌ترین کتاب جیبی پزشکی دانشمند عالیقدر ایرانی، سید اسماعیل جرجانی، می‌توان ملاحظه کرد. وی می‌نویسد: «طبیب باید زمانی بر بالین بیمار، حاضر شود که شرط‌های امانت دینی و شفقت مردمی را به جای آورده و چشم و گوش و دست و زبان از همه‌ی ناپسندیدنی‌ها نگاه داشته باشد . . .».

در مجموع، از هر زاویه‌ی که به ارتباط دین و سلامت نگاه کنیم، این بحث جلوه‌های ویژه‌ی خود را متجلی می‌سازد و پیوند دیرینه و آشکاری را به نمایش می‌گذارد و همان‌گونه که در این مختصر نیز یادآور شدیم، ارتباط دین و سلامت نه تنها در کتاب‌های دینی، بلکه در منبع‌های پزشکی نیاکان و کتاب‌های تاریخ و ادبیات نیز جلوه‌گر است، ولی متأسفانه در مقطع‌هایی از تاریخ، ظاهراً به فراموشی سپرده شده است. اما امروزه ارتباط دین و سلامت رویکردی جدید در کشورهای مختلف است که به آن می‌پردازند.

